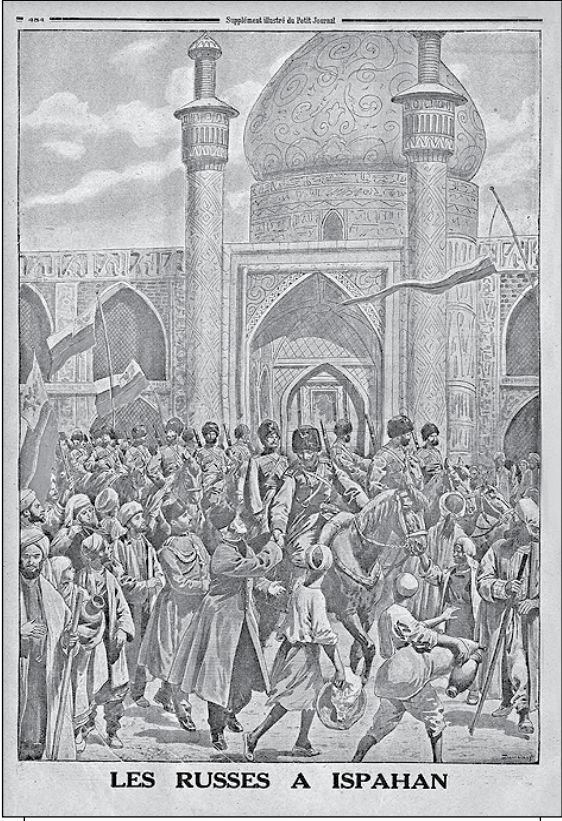


همزمان با این تغییر و تحول در تهران نیروهای انگلیسی که جنوب کشور را به‌اشغال خود درآورده بودند، در صفحات جنوبی کشور پیشروی کرده و در نیمهٔ اول سال ۱۹۱۶ میلادی، ایران عملاً تحت‌اشغال قوای سه کشور بیگانه قرار گرفت؛ روس‌ها قسمت شرقی آذربایجان و گیلان و مناطق وسیعی را که شامل قسمت اعظم استان مرکزی کنونی وقم و کاشان و نطنز و بخشی از استان اصفهان می‌شد.اشغال کرده بودند و عثمانی‌ها آذربایجان غربی و کردستان و کرمانشاه و همدان و بروجرد را تحت سلطه خود گرفته

در رابطه با ایران در سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۱ هنوز محرمانه‌اند و تا ۵۰ سال بعد، یعنی سال ۲۰۵۳ منتشر نخواهند شد.
بزرگ‌ترین نسل‌کشی سده بیستم میلادی
تاریخ دو سده اخیر ایران سرشار از حوادث مهمی است که به دلیل فقر تاریخنگاری معاصر مسکوت یا ناشناخته مانده است. تاکنون درباره قحطی بزرگ سال‌های ۱۹۱۹–۱۹۱۷ میلادی در ایران اطلاعات چندانی افشاء نشده و اهمیت و جایگاه بزرگ این حادثه در تعیین سرنوشت جامعه ایران، به‌ویژه صعود دیکتاتوری

نگاهی مستند به خسارات اشغالگران در جنگ جهانی دوم به ایران ۲

بزرگ‌ترین نسل‌کشی سده بیستم میلادی



« دکتر مجد در باره قحطی ایران چنین می نویسد: «...یافته‌های من در این زمینه واقعاً شگفت‌انگیز است و در داوری تاریخی ما تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد. بزرگ‌ترین فاجعه نسل‌کشی قرن بیستم در کشور ما، ایران، اتفاق افتاده است...» «طبق اسناد آمریکایی، در سال ۱۹۱۴ جمعیت ایران بیست میلیون نفر بود که در سال ۱۹۱۹ به یازده میلیون نفر کاهش یافت. توجه بفرمایید، یعنی حدود ۸ الی ده میلیون نفر از مردم ایران از گرسنگی و بیماری‌های ناشی از کمبود مواد غذایی و سوءتغذیه مردند.

پهلوی، شناخته نشده است.

اما دکتر محمد قلی مجد، استاد دانشگاه پسنپولیا آمریکا، بر اساس اسناد غنی موجود در مرکز اسناد ملی ایالات متحده آمریکا (نارا)، تصویری هولناک از ایران در سال‌های جنگ اوّل جهانی و پس از آن به دست داده است.

استاد علنی شده دولت آمریکا درباره دوره تاریخی فوق، که در کتاب «قحطی بزرگ و نسل‌کشی در ایران، ۱۹۱۹–۱۹۱۷» دکتر مجد برای نخستین بار عرضه گردید، ثابت می‌کند، بزرگ‌ترین

نسل‌کشی سده بیستم میلادی در ایران رخ داد و ایران بزرگ‌ترین قربانی جنگ اوّل جهانی بود. طبق تحقیق دکتر مجّد، در طول سال‌های ۱۹۱۹–۱۹۱۷ بین هشت تا ده میلیون نفر از مردم ایران در اثر قحطی با بیماری‌های ناشی از کمبود مواد غذایی و سوءتغذیه از میان رفتند و جمعیت ایران به شدت کاهش یافت. محمدقلی مجد به بررسی علل این قحطی نیز پرداخته و دولت انگلیس را به عنوان عامل و مسبب اصلی این نسل‌کشی بزرگ تاریخ شناسانده است. قحطی در زمانی رخ داد که ایران در زیر سلطه ارتش‌اشغال گر انگلیس بود. در آن زمان، ایران تأمین‌کننده اصلی مواد غذایی و لوازم مورد نیاز ارتش بریتانیا در منطقه به‌شمار می‌رفت و بخش مهمی از محصولات کشاورزی ایران به‌وسیله ارتش انگلیس و پیمانکاران آن خریداری می‌شد. این سیاست سبب کاهش شدید مواد غذایی در ایران شد. عجیب‌تر اینجاست که ارتش انگلیس مانع از واردات مواد غذایی از بین‌النهرین و هند و حتی از ایالات متحده آمریکا به ایران می‌شد. در حالی‌که در بین‌النهرین (عراق) و هند وفور غله وجود داشت، در میانه این دو سرزمین، ایران از کمبود غله در رنج بود. در این سال‌ها، دولت انگلستان ایران را از درآمدهای نفتی خود نیز محروم کرد و به‌طور خلاصه، به تعبیر دکتر مجّد، بریتانیا از قحطی و نسل‌کشی در ایران به عنوان ابزاری برای سلطه بر سرزمین ما بهره برد.

عجیب اینجاست که به‌رغم گذشت سال‌ها، تاکنون درباره این قحطی بزرگ و شگفت‌انگیز و تأثیر آن در سرنوشت تاریخی ایران پژوهشی منتشر نشده و این حادثه عظیم به‌کلی مسکوت مانده و به یکی از راه‌زای‌های بزرگ سده بیستم بدل شده بود. قحطی بزرگ سال‌های ۱۹۱۹–۱۹۱۷ در ایران را می‌توان «هلوکاست واقعی» دانست. بی‌تردید، شناخت این حادثه دهشتناک بر نگرش پژوهشگرانی که درباره علل عقب‌ماندگی ایران در سده بیستم و ریشه‌های صعود دیکتاتوری پهلوی و پیآمدهای آن کار می‌کنند، تأثیر عمیق بر جای خواهد نهاد.

دکتر مجد در این باره چنین می‌نویسد:

«...یافته‌های من در این زمینه واقعاً شگشت‌انگیز است و در داوری تاریخی ما تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد. بزرگ‌ترین فاجعه نسل‌کشی قرن بیستم در کشور ما، ایران، اتفاق افتاده است...»

طبق اسناد آمریکایی، در سال ۱۹۱۴ جمعیت ایران بیست میلیون نفر بود که در سال ۱۹۱۹ به یازده میلیون نفر کاهش یافت. توجه بفرمایید، یعنی حدود ۸ الی ده میلیون نفر از مردم ایران از گرسنگی و بیماری‌های ناشی از کمبود مواد غذایی و سوءتغذیه مردند. بر اساس آمریکایی مدارک مستندی دربارهٔ این ترازیم بزرگ انسانی وجود دارد. چهل درصد از مردم ایران طی دو سه سال قلع‌وقمع و نابود شدند.

اما از آنجا که بحث این سلسله مقالات به‌اشغال ایران در طول جنگ دوم جهانی اختصاص دارد و مباحث صائب و رنج‌های ایران طی جنگ جهانی اول پیش از این در مجموعه مقالاتی در همین صفحه مورد بررسی و تجلیل قرار گرفته و علاقه‌مندان نیز می‌توانند برای اطلاعات بیشتر و دستیابی به اسناد مختلف در این باب، به اصل کتاب «قحطی بزرگ» دکتر مجد از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی مراجعه نمایند، از همین روی به همین مختصر درباره ایران در دوران جنگ جهانی اول سرانده کرده و به سراغ جنگ جهانی دوم و موقعیت و وضعیت میهن مان در طی آن جنگ و مصائب‌اشغال ۴–۵ ساله ایران توسط متفقین می‌پردازیم.

تأمین گردد و به رئیس‌الوزراء نیز این موضوع را اعلام داشته‌ام. با این حال، من بر این عقیده‌ام که این مقدار جواهرات برای وثیقه کافی است... همچنین از طریق همین مقامات ایرانی آگاهی یافتم که دست کم سه قدرت اروپایی دیگر نیز برای پرداخت این وام پیشنهاد داده‌اند، لکن وزارتخانه بی‌تردید می‌تواند ضرورت و خردورزی ایران در رد کمک پیشنهادی آنها را در این زمان درناید. بهتر آن است که این موضوع از چشم روزنامه‌ها پنهان مانده و بی‌سر و صدا به انجام برسد.

کالدول در پایان می‌نویسد:

بر این کار نیز می‌توان توافق کرد که جواهراتی که وثیقه گذاشته می‌شود، توسط یک شرکت مسئول در نیویورک یا جای دیگر در مکانی امن نگهداری شوند. تقاضا دارم چنانچه تمایلی

دیپلماسی قاجاری

محتاج کمک آمریکایی

به دولت ایران و نه خاندان سلطنتی است) پنجاه تا شصت میلیون دلار می‌رزد. بیشتر این جواهرات مروارید است لکن تعدادی الماس، یاقوت، زمرد و یاقوت کبود نیز در میان آنها وجود دارد. دولت ایران تمام این جواهرات را حدود صد سال قبل و با قدری بیشتر، از هند آورده است. این جواهرات از آن زمان در خزانه‌های سلطنتی به دقت نگهداری شده‌اند. همان طور که در گزارش پیشین خود ذکر کرده بودم، ارزش این جواهرات را حدود چهار یا پنج سال قبل یک خبره فرانسوی (که با هزینه ۵۰۰۰ دلار شرکت هریس، فوربز و کمپانی قلدری به این موضوع اندیشیده و تا حدودی به انجام این کار علاقه نشان داده‌اند. آقای واکر اظهار داشته که در اعطای وام در برابر وثیقه، باید الزاماً وثیقه در دست یک معتمد در ایالات متحده قرار گیرد. اگر این کار امکان‌پذیر باشد، در آن صورت در ازای جواهرات آورده‌شده از ایران می‌توان وام پرداخت کرد... آقای واکر علاقه داشتند که روشن کنند طرف‌های بانک‌دار علاقه‌مند به این طرح، با وجود آنکه تمایل خود را ابراز داشته‌اند، لکن متعهد به پرداخت وام نیستند. دو سال بعد در اوج قحطی، دولت ایران مستأصل از دست‌های خالی، بار دیگر تلاش می‌کند از آمریکا پول قرض کند. در ۷ آوریل ۱۹۱۸، کالدول تلگراف می‌زند:

دولت ایران از من درخواست کرده است تحقیق کنم آیا ایالات متحده آمریکا یک میلیون تومان به ایران وام خواهد داد (به نرخ متداول فعلی این مبلغ نزدیک به دو میلیون دلار است)، لکن این مبلغ ناساست به طور گسترده برای برطرف کردن قحطی و زیر نظر شخص من به کار گرفته شود. کالدول می‌افزاید:

صادقانه باید مسئولیت ذهنی جدی خود را درباره این درخواست اظهار دارم، در صورت امکان، موافقت در این باره، انسانی‌ترین اقدام خواهد بود و می‌تواند اوضاع دهشتناک فعلی را بهبود بخشد. آلامر، او می‌تواند از نظر سیاسی مفیدترین تأثیر را بر جای بگذارد.

رو روز بعد او این‌گونه می‌نویسد: پیرو تلگراف ۷ آوریل خود درباره موضوع وام درخواست‌شده برای ایران، گمان می‌کنم دولت ایالات متحده باید این اقدام را به مصلحت تلقی کند. وثیقه بازپرداخت احتمالاً از طریق دریافت درآمدهای قرضی گمرک کار تأمین گردیده و با اگر سهم وثیقه

پاورقی

Research@kayhan.ir

حاجلی کیا و سازمان کوک به روایت اسناد ساواک – ۲۵ عیاشی پر در دسر

قصه دارد که قریباً به مسافت خراج از کشور پرود و اخیراً نیز نامبرده با همسرش (مادر مهندس فریدون کیا) بدرفتاری شدیدی را شروع نموده، به طوری که فریدون قصد دارد زندگی جگانلای برای مشارالها ترتیب دهد.

سپهبد کیا ظرف چند ماهه اخیر با بانوی نسبتاً زیبا روابط نزدیک برقرار ساخته و بعضی اوقات بانوی مزبور به ساختمان کیا مراجعه و با سپهبد ملاقات‌هایی انجام می‌دهد»^{۲۹} که به نظر می‌رسد به علت همین مسئله، بین پدر و پسر اختلافاتی نیز بروز نمود.

«خیرا بن میهندس کیا با پدرش سپهبد بازنشسته حاجلی کیا اختلافاتی بروز کرده و مهندس کیا تصمیم دارد محلل کار خود را از ساختمان کیا به خیابان ویلا منتقل و به طور مستقل مشغول کار شود»^{۳۰}

از دیگر خصلت‌های سپهبد کیا، علاقه فراوان به ثروت‌اندوزی است. این علاقه به میزانی است که در گزارش مورخه سال ۱۳۴۴ش درباره آن نوشته‌اند: «در موقع فوت پدر خویش، مبلغ زیادی از ثروت پدر خویش را به نفع

خود ضبط نموده و چون حق برادران خویش را به نفع خود به ثبت رسانیده بود، اختلافاتی میان وی با برادران به وجود، که هنوز هم ادامه دارد»^{۳۱}

دولت ایالات متحده با نگرانی بسیار گزارش‌هایی از ایران درباره قحطی‌زدگی مردم این کشور دریافت کرده است و هم‌اکنون نیز دولت ایران از طریق سفارت آمریکا در تهران، وامی به مبلغ یک میلیون تومان برای مقابله با قحطی درخواست نموده است که قوانین آمریکا پرداخت وام را تنها برای کشورهای مجاز می‌داندکه در گمریر با آلمان هستند، لذا برای رعایت این قوانین

شخصی را ترجیح دهید، دولت ایران راغب است جواهرات ارزشمند خود را وثیقه بگذارد.

در اول می ۱۹۱۸، وزارت خارجه دستوری برای کالدول ارسال می‌کند که به این شرح است:

شما می‌توانید وزیر امور خارجه ایران] را در این باره مطلع ساخته و با اجازه ایشان موارد زیر را اعلام کنید: دولت ایالات متحده با نگرانی بسیار گزارش‌هایی از ایران درباره قحطی‌زدگی مردم این کشور دریافت کرده است و هم‌اکنون نیز دولت ایران از طریق سفارت آمریکا در تهران، وامی به مبلغ یک میلیون تومان برای مقابله با قحطی درخواست نموده است که قوانین آمریکا پرداخت وام را تنها برای کشورهای مجاز می‌داندکه در گمریر با آلمان هستند، لذا برای رعایت این قوانین

شخصی را ترجیح دهید، دولت ایران راغب است جواهرات ارزشمند خود را وثیقه بگذارد.

در اول می ۱۹۱۸، وزارت خارجه دستوری برای کالدول ارسال می‌کند که به این شرح است:

شما می‌توانید وزیر امور خارجه ایران] را در این باره مطلع ساخته و با اجازه ایشان موارد زیر را اعلام کنید: دولت ایالات متحده با نگرانی بسیار گزارش‌هایی از ایران درباره قحطی‌زدگی مردم این کشور دریافت کرده است و هم‌اکنون نیز دولت ایران از طریق سفارت آمریکا در تهران، وامی به مبلغ یک میلیون تومان برای مقابله با قحطی درخواست نموده است که قوانین آمریکا پرداخت وام را تنها برای کشورهای مجاز می‌داندکه در گمریر با آلمان هستند، لذا برای رعایت این قوانین

صفحه ۶
چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۹۷
۱۶ محرم ۱۴۴۰ – شماره ۲۲۰۱۰

حاجلی کیا و سازمان کوک به روایت اسناد ساواک – ۲۵ عیاشی پر در دسر

***پروانه درودیان، سپهبد کیا را تهدید کرده که اسرارش را فاش خواهد ساخت و لذا سپهبد کیا ناچار او را به عقد خود درآورده و در حال حاضر پروانه درودیان با خرج کیا در فرانسه اقامت دارد.**

که توش اوبولی سینا آمد... بعد هم که ایران گرفتار مغول شد... مغول‌ها واقعاً معنا به زبان فارسی و ادبیات فارسی خیلی خدمت کردند.»^{۲۷} با شروع نهضت اسام خمینی(ره) در جریان مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، زمانی که در جلسه منزل وی از سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین فلسفی (ره) دربارهٔ مخالفت با این لایحه سخن به میان آمد، ضمن توهین به ایشان گفت:«مستول کلیه عقب ماندگی کشور ما، متوجه این آخوندها است»^{۲۸}

تربت در دوران دین‌ستیزی رضاخان از یک سو و حضور طولانی مدت در اروپا، خصوصاً دوران حضور در کشور سوئد، از وی اسانی با باورهای غربی ساخته بود که خود درباره آن می‌گفت: «اگر من دارای صفات خوبی باشم، در نتیجه اقامت ۱۲ ساله در آن کشور است که همه مردم کشور سوئد با خیانت و دروغ و دردی مخالف می‌باشند»^{۲۹}

سرخوردگی‌های دوران دین‌ستیزی رضاخانی و مخالفت با حوزه‌های دینی و روحانیت را با بیانی به ظاهر منطقی مطرح می‌کرد و می‌گفت:

«ملت اصلی عقب‌ماندگی مردم ایران این است که از لحاظ مذهب و تربیت و اخلاق به شدت ضعیف و عقب‌مانده است و از لحاظ فکری و اعتقادی بی‌ایمانی دارد به مذهب، گناه اصلی به گردن پیشوایان مذهبی و روحانیون است که هم خودشان فاقد اعتقاد کامل به مذهب بوده و هستند و هم مسائل بدون منطق را به عنوان دستورات مذهبی می‌بردم ایران تبلیغ کرده‌اند»^{۳۰}

کالدول در گزارش ۱ نوامبر ۱۹۱۸ اطلاعات بیشتری درباره درآمدهای گمرکی به دست می‌دهد: منبع درآمد اصلی ایران همواره درآمدهای گمرکی بوده است. درآمدهای شمال برای پرداخت اقساط وام روسیه ضبط می‌شد و درآمدهای جنوب نیز به طور مشابه برای پرداخت وام‌های دولتی و غیردولتی انگلیس اختصاص می‌یافت. درآمدهای گمرکی همواره چنان‌سان بود که برای جبران تعهدات کافی بود و مقداری که باقی می‌ماند که عمده آن از گمرکات شمال حدود ۱۵۰۰۰۰ پوند



جان لانزسی کالدول وزیر مختار آمریکا در ایران

استرلینگ در سال به دست می‌آمد که این مقدار برای هزینه‌های عمومی داخلی به مصرف می‌رسید. از زمان آغاز جنگ و خصوصاً پس از فروپاشی روسیه درآمدهای گمرکی شمال تقریباً به هیچ رسیده‌است و بدین ترتیب آن درآمد مازاد هم البته از میان رفته است.

کالدول می‌افزاید که درآمد گمرکات جنوب نامنظم بود و دولت ایران برای به دست آوردن آن پول مشکل داشت. او توضیح می‌دهد: باهماهنگی انجام شده با بانک شاه‌ی ایران در آن زمان، طی قراردادی با گمرکات جنوب، بنا بود این وام‌ها در شعب آن بانک گردآمده و نهایتاً به تهران منتقل گردند. از آنجا که دولت ایران هنگام هتگفتی به این بانک دههکار بود، این مقدار پول گردآمده از سوی بانک ضبط شده و به دولت ایران تحویل داده نمی‌شد. حالاً در ۱۹۱۸، به هر شکل، تمام دیونی که دربارهٔ آنها دیگر مسئولی وجود ندارد، پرداخته شده و پول‌های مازاد بر آنها آزاد شده و در اختیار دولت، برای امور داخلی‌اش قرار گرفته است. اما بدهی‌های هتگفت دیگری نیز هست که درباره ماهیت آنها اختلاف نظر وجود دارد. بانک همچنان مدعی است که این پول‌ها باید برای جبران رازهنی‌ها و بسته شدن و غارت شعب این بانک در پرداخت اقساط و سود وام‌هایی که دولت ایران از دول یادشده گرفته بود، مورد استفاده قرار گیرد، وقتی جنگ پخش عمده تجارت ایران را متوقف ساخت و به دنبال آن درآمد دولت کاسته شد، اوضاع مالی در تهران بحرانی‌تر از معمول شد. بریتانیا و روسیه از ژانویه ۱۹۱۵ تصمیم گرفتند با دادن مساعدت، بازپرداخت اقساط

می‌رسانم جواهرات بیشتر مروارید و تعدادی الماس و غیره است.